# چـرا سازمـان خصوصـي‌سازي بـه هشـدارها بي‌توجه است؟

28 دی 1401

زماني كه قرار شده ده درصد سهام دو تيم استقلال و پرسپوليس را در بورس به مردم بفروشند كارشناسان زيادي انتقاد كردند؛ مديران عامل سابق سرخابي‌ها، چهره‌هاي ورزشي و مديراني نظير محمد دادكان، داريوش مصطفوي، واعظ آشتياني و سايرين. با اين حال سازمان خصوصي‌سازي با دست فرمان «من اين كار را به هر قيمتي انجام مي‌دهم» جلو برد و چند صد ميليارد تومان سهام دو باشگاه را به مردم عادي فروخت.

اتفاقي كه بعد از چند ماه رخ داد هرچند زياد رسانه‌اي نشد اما دست كمي از فاجعه نداشت. چند صد ميليارد از پول مردم كه به دست دو باشگاه رسيد خرج خريد بازيكن و پرداخت بدهي‌ها شد و در نهايت به پايين آمدن قيمت سهام دو باشگاه انجاميد. اين اتفاق در حالي رخ داد كه قرار بود پولي كه به دو باشگاه مي‌رسد خرج زيرساخت‌هاي دو باشگاه شود. حال در چنين شرايطي سازمان خصوصي‌سازي طبق همان تشبيهي كه قبلا انجام داده بود (همانندسازي فرآيند خصوصي‌سازي دو باشگاه به قطاري كه به حركت در مي‌آيد) مي‌خواهد مسير را به هر شكلي ادامه دهد.

اين سازمان اعلام كرده قرار است درصد مالكيت دولت بر اين دو باشگاه به 49 درصد برسد. آيا اين مسيري بدون بازگشت خواهد بود؟ بلاشك همين‌طور است. به اين معنا كه امروز نمي‌توان به راحتي آن ده درصد فروخته‌شده را پس گرفت و پول مردم را برگرداند چه برسد به اينكه كار به 51 درصد برسد. حال سوال اصلي اينجاست كه چه مقاومتي وجود دارد كه باعث مي‌شود راه بر هر گونه تضارب آرا بسته شود؟ چطور روساي سازمان خصوصي‌سازي و مقامات اقتصادي و ورزشي دولت چشم‌شان را به روي اين همه نقد دلسوزانه مي‌بندند و مسير خود را ادامه مي‌دهند؟ آيا ممكن است اين همه آدمي كه سال‌ها عمرشان را در اين فوتبال گذاشته‌اند اشتباه كنند و كساني كه شايد يكسال از آشنايي‌شان با مستطيل سبز نمي‌گذرد درست بگويند؟ آيا ممكن است همه منتقدين اغراض سياسي داشته باشند و كمر به سياه‌نمايي اقدامات سازمان خصوصي‌سازي و در درجه بالاتر دولت بسته باشند؟ پاسخ اين است كه خير! ممكن نيست! آنچه اما امكان دارد خودرايي آنهايي است كه تمام قصدشان ساختن بيلان كاري و روزمه براي خودشان است. براي اينكه بگويند ما اين كار را كرديم! ما در اين دولت اين كار را كرديم! باقيش هم ديگر اهميتي ندارد. درست مثل مديراني كه مي‌آيند و يكي، دو سال روي صندلي مديريت باشگاه‌ها مي‌نشينند و با اين تفكر كه ما قرار نيست پاسخ بدهيم كلي خرابكاري مي‌كنند و مي‌روند. طرف قراردادي مي‌بندد كه مي‌داند از عهده تامين آن برنمي‌آيد اما دلش قرص است كه زمان پس دادن پول كس ديگري قرار است پاسخگو باشد. به نظر مي‌رسد فروختن سهام سرخابي‌ها هم با همين دست فرمان است.

*سامان سعادت/اعتماد